

- ۱- گزینه «۳» - انسان مانند سایر موجودات دیگر، از قاعده کلی هدفمندی جهان جدا (مستثنی) نیست؛ بلکه با آن هماهنگ است و قطعاً هدفی از آفرینش او وجود داشته است و گام نهادن او در این دنیا، فرصتی است که برای رسیدن به آن هدف به او داده شده است. (بقا) (درس دهم)
- ۲- گزینه «۲» - آن گاه که امام حسین (ع) در دو راهی ذلت و شهادت قرار گرفت، شهادت را برگزید و فرمود: «هن مرگ را جز سعادت و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی بینم.» در دیدگاه الهیون آن گاه که حیات دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری باشد، انسان‌ها به استقبال شهادت می‌روند و با شهادت خود راه آزادی انسان‌ها را هموار می‌کنند. (بقا) (درس سوم)
- ۳- گزینه «۲» - قرآن کریم بر کم ارزش بودن زندگی دنیا و حقیقی بودن سرای آخرت که صورت حقیقی و باطنی دنیا است، در آیه «و ما هذه الحیة الدنیا الا لهو و لعب و ان الدار الآخرة لهی الحیوان» تأکید می‌ورزد. (بقا) (درس چهارم)
- ۴- گزینه «۴» - گروهی (منکران معاد) وجود جهان پس از مرگ را انکار می‌کنند و با فرا رسیدن مرگ انسان و متلاشی شدن جسم او پرونده او را برای همیشه می‌بندد. دقت کنید: بسته شدن پرونده زندگی دنیایی و چند روزه انسان انکار معاد نیست. بلکه بسته شدن پرونده زندگی انسان «برای همیشه» انکار معاد است. (بقا) (درس چهارم)
- ۵- گزینه «۲» - خداوند به ما یادآوری می‌کند که عاملی درونی، انسان‌ها را برای رسیدن به لذت‌های زودگذر دنیایی، به گناه دعوت می‌کند و از پیروی عقل و وجدان باز می‌دارد. این عامل درونی «نفس اماره» یعنی «فرمان‌دهنده به بدی‌ها» نامیده می‌شود. (بقا) (درس دوم)
- ۶- گزینه «۳» - این که گاهی غفلت‌ها سبب دوری ما از خدا و فراموشی یاد او می‌شود، ولی باز که به خود بازمی‌گردیم، او را در کنار خود می‌یابیم مربوط به سرشت خدا آشنا است. خدای متعال شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در وجود ما قرار داده است. از همین روست که همه ما فضائلی چون صداقت را دوست داریم. این مفهوم در آیه شریفه «و نفس و ما سواها فآهمنها فجورها و تقواها» نهفته است. (بقا) (درس دوم)
- ۷- گزینه «۴» - خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از نابودی گریزان است و بسیاری از کارها را برای حفظ بقای خود انجام می‌دهد. پاسخ مناسب به این گرایش بیانگر حکمت الهی و تحقق آن در معاد است. آیه‌ای که به «معاد لازمه حکمت الهی» اشاره دارد با کلید واژه «عَبْتاً» به این صورت است: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثاً...» (بقا) (درس پنجم)
- ۸- گزینه «۱» - خیر از معاد نه تنها احتمالی نیست بلکه از قطعی‌ترین خبرها است. پیامبران با قاطعیت کامل از وقوع معاد خیر و نسبت به آن هشدار داده‌اند. همه آنان پس از ایمان به خدا ایمان به آخرت را مطرح کرده‌اند و آن را لازمه ایمان به خدا (توحید) دانسته‌اند. (بقا) (درس پنجم)
- ۹- گزینه «۳» - پیامبران الهی ایمان به زندگی در جهان دیگر (معاد) را در کنار توحید و یکتاپرستی سرلوحه دعوت خود قرار داده‌اند. آیه «الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیامة لا ریب فیہ و من اصدق من الله حدیثاً» به هر دو اصل توحید و معاد اشاره کرده و علت نبودن شک در وقوع قیامت را راست‌گویی خداوند می‌داند. (بقا) (درس پنجم)
- ۱۰- گزینه «۱» - فرشتگان حقیقت وجود انسان را که همان روح اوست، «توفی» می‌کنند. یعنی آن را به‌طور تمام و کمال دریافت می‌نمایند. انسان‌ها در برزخ اگر بدکار باشند از رنج‌ها و دردهای آن متالم می‌گردند. (بقا) (درس ششم)
- ۱۱- گزینه «۴» - ظرف تحقق آیه مذکور با توجه به کلمه «یومئذ» قیامت است که با عبارت قرآنی «یوم یبعثون» یکسان می‌باشد. (بقا) (درس ششم)
- ۱۲- گزینه «۳» - سخن گفتن پیامبر (ص) با کشته شدگان جنگ بدر نشانه‌ای از وجود شعور و آگاهی در عالم برزخ است. زیرا پیامبر (ص) می‌فرماید: «قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنوا ترند و فقط نمی‌توانند پاسخ دهند.» (بقا) (درس پنجم)
- ۱۳- گزینه «۳» - پس از مرگ گر چه فعالیت‌های حیاتی بدن متوقف می‌شود اما فرشتگان حقیقت وجود انسان را که همان روح است «توفی» می‌کنند. یعنی آن را به‌صورت تمام و کمال دریافت می‌نمایند. در آیه «قال رب ارجعون لعلی اعمل صالحاً فیما ترکت» - می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردانید باشد که عمل صالح انجام دهم» آگاه شدن انسان به کاستی اعمال صالحش نشان دهنده وجود شعور و آگاهی انسان در عالم برزخ است. دلیل رد گزینه‌های «۲» و «۴»: آیه «یُنَبِّئُوا الْإِنْسَانَ یَوْمئذٍ...» به افزایش آگاهی انسان در عالم قیامت اشاره دارد نه برزخ. (بقا) (درس ششم)
- ۱۴- گزینه «۳» - بعد جسمانی و مادی انسان مانند سایر اجسام و مواد تجزیه و تحلیل (انفکاک = تفکیک شدن) می‌پذیرد و سرانجام فرسوده و متلاشی (مستهلک) می‌گردد. (بقا) (درس سوم)
- ۱۵- گزینه «۲» - هر کس درک روشنی از «خود» دارد و در اثبات وجود چیزی که از آن تعبیر به «من» می‌کند به هیچ گونه استدلالی احتیاج ندارد (بدیهی). دیده‌ایم که برخی انسان‌ها قسمت‌هایی از بدن خود را در حادثه‌ای از دست می‌دهند اما نه خودشان و نه دیگران هیچ‌گاه احساس نمی‌کنند که قدری از هویت و «من» او کم شده باشد و این نشان می‌دهد که ثبات هویت و «خود» ما ناشی از ثبات اندام‌های ما نیست. (بقا) (درس سوم)